

ظرفیت‌های تاریخ شفاهی زنان یاری‌گر تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

شکوه‌السادات سمیعی^۱

چکیده

برای شناخت هر موضوع تاریخی، لازم است ابتدا با شیوه و سابقه‌ی تاریخ‌نگاری آن موضوع آشنا شد، و یافته‌های آن را به درستی نقد کرد تا بهتر بتوان عبار صحت و اعتبارش را سنجید. این مقاله بنا دارد با تحلیل کوتاهی از وضعیت تاریخ‌نگاری با موضوع زنان، روشن کند که آشنایی با ابعاد شخصیتی آنها و توجه به نوع نگاهشان به وقایع پیرامون چه کمکی به این امر خواهد کرد، و تا چه میزان برای تدوین این موضوع تاریخی ضروری است. پس در محدوده‌ی زمانی تاریخ معاصر، به عنوان یک معیار قابل دسترسی جزئیات مصاحبه‌ی چند تن از زندانیان سیاسی زن، همسران شهدا، زنان اسیر و رزمنده مطالعه شد، تا ضمن آشنایی با سبک و سیاق روایت تاریخ از نگاه زنان، میزان جامعیت و توانمندی تاریخ شفاهی - به عنوان یکی از شاخه‌های علم تاریخ - در ایجاد انگیزه و ترغیب زنان برای انعکاس حقایق و انتقال اخبار ناگفته ارزیابی شود. با این هدف که با عنایت به روحیات و تمایلات فکری زنان معلوم شود نگارش تاریخ از منظر آنها چقدر می‌تواند باعث رونق و قوام بخشی دانش تاریخ به‌ویژه در ثبت وقایعی مثل انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، و معرفت تمامی نقش‌های مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: زنان، تاریخ شفاهی، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، خاطره‌نویسی.

مقدمه

تاریخ‌نگاری زنان، یعنی بررسی زندگی، حوادث و اتفاقات روزمره‌ی زنان، به این ترتیب که بتوان با کمک آن، تصویر واقع‌گرایانه‌ای از زندگی آنها به دست آورد؛ یعنی تمرکز بر روی همه‌ی آنچه که تا امروز درباره‌ی مردان بررسی شده، اما زنان از آن حذف شده‌اند، یعنی تحلیل این مسئله که چرا برای بررسی وضعیت زنان در یک دوره‌ی تاریخی یا حتی برای تهیه‌ی گزارش از زندگی روزمره‌ی آنها، به مطالعه‌ی هزاران صفحه کتاب تاریخی و سفرنامه نیاز است و با توجه به دشواری‌هایی، از جمله کمبود منابع، اصطلاحاً در این مسیر باید از اقداماتی، مثل «حفاری منابع» استفاده کرد؟ در حالی که درباره‌ی مردان به زمان و جست‌وجوی کمتری نیاز است.

این بی‌اعتنایی به موقعیت زنان در آثار مکتوب تاریخ معاصر ایران، باعث شده زوایای بسیاری از نقش و حضور آنها از نظر کمی و کیفی در محاق بماند. افرادی که مایل‌اند درباره‌ی چگونگی حضور زن در تاریخ معاصر در دوره‌های مختلف پژوهش کنند یا کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌ی دانشگاهی تألیف کنند، در این نظر متفق‌اند که منابع مکتوب بسیار کم، آنها را به استفاده از مواردی ناگزیر کرده که عاری از آسیب و آفت نبوده‌اند.

^۱ - لیسانس تاریخ، کارشناس مصاحبه، و کارشناس پژوهش اسناد مدیریت اسناد و مطبوعات آستان قدس

نگاه بدبینانه‌تری معتقد است که سخن گفتن از زنان، در برخی جوامع متضمن نوعی شهامت و از خودگذشتگی اخلاقی‌ست، و کسی که به مسئله‌ی زنان می‌پردازد پای در آفاق ممنوعه می‌گذارد. دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی در ابتدای کتاب گذر زن از گذار تاریخ می‌نویسد: «امروزه نوشتن کتابی درباره‌ی زنان از احتیاط و حسابگری اندکی دور است ... اما تشویق خوانندگانی که تا حالا هرچه نوشته‌ام، خریدند و خوانده‌اند و اعتراضی نکرده‌اند، مرا به این گستاخی واداشت» (باستانی پاریزی، 1382: 11 و 14).

وقوع انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی، نگاهی دوباره به جایگاه زن و برخی دیدگاه‌ها و روندهای گذشته را فراهم ساخت، اما در نبود همت و اقدام دلسوزانه‌ای برای میسر ساختن شرایط مطالعه‌ی عمیق و واقع‌گرایانه در این زمینه، کوتاهی و خلأ جبران‌ناپذیری در شیوه‌ی تاریخ‌نویسی صحیح، به‌خصوص پیرامون زنان ایجاد کرده، شاید ریشه‌یابی این مسئله هرچند به اجمال، بخشی از وظایف به زمین مانده‌ی تاریخ‌نگاران دیروز و امروز را احیا کند. با همین هدف مقاله‌ی حاضر چالش‌ها و محاسن توجه به نگاه زنان در تاریخ را بررسی کرده تا نتایج مثبت یا منفی سپردن قلم به آنها برای روایت تاریخ را آسیب‌شناسی کند

تاریخ قرمز، تاریخ صورتی

تاریخ‌نگاری زنان رویکردی‌ست با تلاش برای طرح پرسشی جدید که سعی دارد موقعیت زنان را در تاریخ بازتعریف کند. طرح این سؤال که شاید با این نگرش، تاریخ در گذشته طور دیگری روایت می‌شد و آنچه اکنون می‌خوانیم به نحو دیگری نوشته می‌شد. و این فرضیه که بهتر است تاریخ زنان را خود زنان بنویسند، زیرا با نگاه مردان، مسائل زنان همدلانه و به منظور تکمیل علم تاریخ بررسی نمی‌شود.

بدیهی‌ست که در حوزه‌ی تاریخ‌نویسی همواره تعداد زنان کمتر از مردان بوده و هست. قلمی که تاریخ را می‌نگاشته، اغلب در انحصار مردان بوده است و محصول کار آنها نیز لاجرم رنگ علایق و دغدغه‌های آنان را بر خود دارد. با توجه به میزان چشم‌گیر حضور جنگ و خونریزی در این نگارش‌ها، از باب استعاره می‌توان گفت رنگی که مردان به تاریخ زده‌اند عمدتاً رنگ قرمز بوده است. از این‌رو، چنانچه علایق و استعداد‌های متفاوت زنان در حوزه‌ی تاریخ‌نویسی وارد شود، دانش تاریخ رنگ جدیدی به خود خواهد گرفت، دانشی که به استعاره می‌توان آن را تاریخ صورتی نامید. این استعاره فقط به صفت زنانه در تاریخ‌نویسی اشاره دارد (فیاض انوش و صالح، 1392: 65-78). تاریخ صورتی از ظرفیت‌ها و چشم‌اندازهای زنانه در تولید دانش تاریخی بهره گرفته، و نگاهی متفاوت به تاریخ‌نویسی را فراهم می‌سازد، به گونه‌ای که موجب غنای بیشتر آن می‌شود، و تاریخ مردان را تلطیف و رقیق می‌کند. در واقع، نگاه زن و مرد، هر دو ابزار مناسبی برای عمل به وظیفه‌ی لازم و کافی در تاریخ‌نگاری محسوب می‌شود. تا برای آنان که همیشه از مطالعه‌ی تاریخ خشک و کسالت‌آور مردان گریزان بودند، روایتی جذاب و خواندنی عرضه کند.

نگاه زنانه مکمل دانش تاریخ مردانه

تاریخی که تا به حال مردان نگاشته‌اند به علت وجود چند خصوصیت جامعیت نداشته و قادر نبوده کاملاً و بدون نقص به وظیفه‌ی تاریخ‌نگاری و انتقال اطلاعات تاریخی به نسل آینده عمل کند. این خصوصیات عبارت‌اند از: تمرکز بر حیطه‌های عمومی و کلی، محوریت خشونت، احساس برتری عقلی مردانه و تمایل و توجه به امور مادی و اقتصادی. گرچه تاریخ زنانه برای تکمیل نگاه مردان به تاریخ، امری ضروری است، اما آن نیز تا به حال به چند دلیل نتوانسته تصویر کاملی از گذشته ارائه دهد. دلایل فوق به شرح ذیل است:

- در گذشته نام و هویت زنان در حیطه‌های عمومی مردانه پذیرفته نمی‌شد. اگر زنی صاحب خلاقیت یا استعداد بود، می‌بایست با نام مردانه آثار خود را عرضه کند یا اینکه دانشمندی باشد که تنها ایرادش زنانگی اوست! (ناجی راد، 1382: 289)

- تا به حال تاریخ‌نگاری کار مردان مرفه‌ی بوده که اوقات فراغت خود را صرف تحقیقات تاریخی می‌کردند، در حالی که نقش مادری دختران باعث شده زودتر درگیر مسائل مربوط به تشکیل خانواده و فرزندپروری شوند و فرصت کمتری برای فعالیت، مثل تاریخ‌نویسی داشته باشند.

- تاریخ‌نگاری زنان اغلب بر اساس احساس و عاطفه شکل می‌گیرد و از نظر مردان دور و متفاوت از توجیحات عقلی مردانه برای راه‌اندازی جنگ‌ها و مبارزات تاریخی است.

- نگاه زنان بیشتر مصلحت‌آمیز است و به سوی همدلی گرایش دارد تا خشونت. تاریخ از نظر آنان همواره شبکه‌ای از روابط است که همه در آن دیده شوند. برای آنان روابط برد - برد اهمیت ویژه‌ای دارد، در حالی که برای مردان برد - باخت، مهم‌ترین موضوع تاریخ است.

براساس موارد ذکر شده می‌توان دریافت که تاریخ‌نویسی مردان تا به حال نتوانسته نقش مهم زنان در تاریخ را به دور از نگاه برتربینی و تحقیر و روحیه‌ی ستیزه‌جویی و خشونت به نگارش درآورد. از جهتی دیگر، تاریخ‌نویسی زنان هم به سبب تحمیل شرایطی بر آن، هرگز تاریخ کاملی به جامعه ارائه نکرده است. پس باید در پی ابزار و وسایلی برای تقویت و توان‌مندی این رویکردهای مغفول و متفاوت بود تا اطلاعات پنهان و ناگفته‌ی بیشتری را، به‌ویژه از حوزه‌ی زنان، استخراج کرد و نگاشت.

تاریخ شفاهی و زنان تاریخ‌ساز

انقلاب و جنگ در اصل فعالیت مردانه و خشن محسوب شده، و بی‌باکی و شجاعت فراوانی می‌طلبد، اما باید توجه داشت که مادران و همسران علی‌رغم روحیات و تمایلات ذاتی خود در پرورش و حمایت این روحیه و خلیات نقش مهمی ایفا کرده، و مسیر پیروزی را هموار ساخته‌اند. نتیجه‌ی تلاش و توانایی زنان در رفع این تناقض‌ها، سازگاری با بحران‌ها، و درک ضرورت‌ها، همان چیزی‌ست که صفحات بی‌شمار به نگارش درآمده از انقلاب و جنگ از آن غافل مانده. شاید اگر رویدادهای فوق را از نگاه و بیان زنان بررسی کنیم تاریخ دیگری در مورد آن برهه از زمان رقم بخورد. یکی از گزینه‌های ارزشمند برای تکمیل اطلاعات تاریخی، توسل به یافته‌های تاریخ شفاهی در این زمینه است. علم تاریخ شفاهی در چند سال اخیر نشان داده که قادر به رفع خلأهای اطلاعاتی آرشیوهای تاریخ معاصر بوده است و کمک شایانی در شفافیت این

مباحث خواهد کرد.

بعد از نقش ماندگار زنان در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، گفت‌وگو و مصاحبه با زنان مؤثر و فعال در زمینه‌های فوق بود که آنان را تا حدی از انزوا بیرون آورده، و انگیزه‌ی ثبت ایثار و فداکاری‌های آنها را به‌وسیله‌ی زنان نویسنده ایجاد کرد. حاصل این تلاش‌ها را می‌توان در آثار بی‌شماری که بعد از انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق با قلم بانوان به نگارش درآمد، جست‌وجو کرد.

ویژگی‌های شخصیتی زنان در خدمت اهداف تاریخ شفاهی

در میان آثار انتشاریافته با موضوع زنان، کتاب‌های برگرفته از مصاحبه با آنان بیشترین استقبال را در میان خوانندگان این دسته از موضوعات داشته است. کتاب‌هایی که موفقیت‌شان در گرو روایت زنانه یا همان تاریخ‌نویسی صورتی است. آن کتاب‌ها از اولین آثاری هستند که بخشی از واقعیت‌های انقلاب و جنگ را از دریچه چشم زنان و به دور از دغدغه‌ها و محدودیت‌های غالب گذشته ترسیم کرده‌اند. به طور حتم، اقبال عمومی مردم نیز مدیون نگرش جدید و جذاب این شیوه‌ی تاریخ‌نگاری است (حسینی، 1387؛ اسکندری و احمدوند، 1392).

این رویکرد متفاوت، تا به حال به چند دلیل توانسته بهترین خدمت را به روایت تاریخ در دوران معاصر ارائه کند. دلایل فوق که زنان را در تاریخ‌نگاری موفق و مؤثر ساخته به شرح ذیل می‌باشد:

- زنان با تفکر شبکه‌ای بر کل یک موضوع تمرکز می‌کنند، در حالی که مردان اغلب با دقت بر یک موضوع، در یک زمان و مکان خاص تمرکز دارند و با این نگاه بسیاری از جزئیات و جنبه‌های ارتباطی را از دست می‌دهند. این نوع تفکر زنان به بیان تاریخ و حقیقت نزدیک‌تر است و روایت آن را دقیق‌تر می‌کند.

- زنان به شکل ذاتی مشتاق گردآوردن اطلاعات گسترده‌تری هستند و برای به خاطر سپردن آن تلاش می‌کنند.

- نگاه زنانه، رقابت‌های سیاسی و اجتماعی و نیاز به اثبات برتری را تعدیل می‌کند و مردان را از حوزه‌ی سیاست و رقابت به زندگی و جزئیات روزمره می‌کشاند و تاریخی متوسط و قرین به حقیقت را ارائه می‌دهد.

- زنان به تاریخ خرد و مطالب کم‌اهمیت‌تر اعتنا می‌کنند، در حالی که مردان به قواعد کلی می‌پردازند. بنابراین، این زنان هستند که می‌توانند تغییرات پوشاک، آداب و رسوم، تغذیه، رفتارهای اجتماعی، دگرگونی‌های معماری و جزئیات آن را بررسی کنند.

- مادری و تاریخ به هم مرتبط‌اند، در حالی که امروزه ظرفیت عبرت‌آموزی تاریخ فراموش شده است، زنان و مسئولیت پرورش نسل، آنها را درگیر این ظرفیت عبرت‌آموزی تاریخ می‌کند.

- زنان و افشاگری تاریخی، مؤلفه‌ی آخر است. زنان به علت حضور در خلوت بزرگان تاریخ، ناگفته‌هایی از زندگی شخصی نام‌آوران و مقایسه میان نظر و عمل آنها در حافظه دارند که کمک زیادی به شناخت شخصیت واقعی آنها

می‌کند؛ برای مثال گفته می‌شود جان لاک^۲ که درباره‌ی آزادی و احترام انسانی نظریه ارائه کرده، خود در مزرعه‌ی شخصی‌اش نسبت به بردگان سخت‌گیری و بدرفتاری داشته است (فیاض انوش و صالح، 1392). اطلاعات این چینی را تنها از کسی می‌توان کسب کرد که در خانه او حضور دارد و به کسب اطلاعات و حفظ آن مشتاق است.

مهم‌ترین آثار برگرفته از خاطرات زنان

آن بخش از کتاب‌هایی که با موضوع یا با نویسندگی زنان در حوزه‌ی انقلاب و جنگ به نگارش درآمده را می‌توان این‌گونه تقسیم‌بندی کرد:

1- کتاب‌های خودنگاشته‌ی خاطرات زنان در انقلاب اسلامی

2- کتاب‌های خاطرات شفاهی اسرای زن

3- خاطرات شفاهی رزمندگان و امدادگران زن

4- خاطرات شفاهی همسران سرداران

با موضوع دفاع مقدس نزدیک به 170 عنوان کتاب چاپ شده که تعداد زیادی از آنها داستانی، فیلم‌نامه، مقاله و سخنرانی‌های تنظیم‌شده‌ی کنگره و همایش‌های برگزارشده و حدود چهل کتاب، خاطرات زنانی است که در جبهه‌ها، بیمارستان‌ها و اردوگاه‌ها به سر برده‌اند یا از طریق همسران و فرزندان‌شان در جنگ سهم بسزایی داشته‌اند. مهم‌ترین آنها به ترتیب زیر است:

خاطرات مرضیه حدیدچی (دباغ)	خاطرات شفاهی زنان رزمنده و امدادگر در کوچه‌های خرمشهر
خاطرات شفاهی اسرای زن	مجموعه خاطرات مردان و زنان حاضر در مقاومت خرمشهر
اسیر شماره‌ی 0339، خاطرات خدیجه میرشکار	خاطرات زنان رزمنده دختران آ. پی. دی
پرونده‌های کاغذی، خاطرات معصومه آباد	دا، خاطرات زهراسادات حسینی از روزهای آغازین جنگ
چشم در چشم آنان، خاطرات فاطمه ناهیدی	خاطرات امدادگر مینا کمایی، از چنده‌لا تا جنگ
روزنه‌ای به آسمان، خاطرات معصومه آباد	خاطرات پاسدار شمسی سبحانی
دوره‌ی درهای بسته به روایت اسیر شماره‌ی 5533، خاطرات فاطمه ناهیدی	مجموعه روزگاران، کتاب زنان خرمشهر و روزگاران، کتاب پرستاران

² - John Locke

پوتین‌های مریم، خاطرات رزمنده مریم امجدی	گل سیمین، خاطرات امدادگر سهام طاقتی
بر بال ملائک، مجموعه خاطرات جانباز رقیه تدین، امدادگر معصومه رامهرمزی، پاسدار و جانباز شیمیایی مریم یساول، مادر شهیدان خالقی‌پور، همسر جانباز زهرا مفتونی	
خاطرات زنان رزمنده‌ی غرب و جنوب	نیمه‌ی پنهان ماه، چمران به روایت همسر
خاطرات شفاهی همسران سرداران شهید، خرمشهر کو جهان‌آرا، مصاحبه با همسر شهید جهان‌آرا	مرتضی آئینه زندگی‌ام بود، مصاحبه با همسر شهید مرتضی آوینی
نیمه‌ی پنهان ماه، همت به روایت همسر	همسر آسمانی، بابایی به روایت همسر
حمید باکری به روایت همسر	اینک شوکران، مصاحبه با همسر شهید مدق
باغ انگور، باغ سیب، باغ آئینه، گفت‌وگو با همسر شهید مهدی باکری	کناررود خین، خاطرات مکتوب اشرف‌السادات مساوات مادر شهید سیستانی
نیمه‌ی پنهان ماه، زین‌الدین به روایت همسر	نیمه‌ی پنهان یک اسطوره، گفت‌وگو با همسر شهید همت
نامه‌های فهیمه، نامه‌های مرحوم فهیمه بابائیان‌پور، همسر شهید غلامرضا صادق‌زاده	
ساعت شش کنار دریاچه‌ی مریوان، خاطرات مریم نوبخت	کفش‌های سرگردان، خاطرات سهیلا فرجام، پرستار جنگ تحمیلی

درباره‌ی کتاب خاطرات همسران سرداران شهید که با نام نیمه‌ی پنهان ماه شناخته می‌شود و استقبال بسیاری از آن شده، باید گفت این مجموعه خاطرات دو هدف عمده داشته است: اول، شناسایی و معرفی سرداران شهید به جامعه و دوم، بازشناسی نقش زنان در دفاع مقدس از طریق خانواده و همسران‌شان و تأثیر شخصیت این زنان در روحیه و تلاش‌های مردان جنگ. به نظر می‌رسد هدف اول کاملاً تحقق یافته، اما از هدف دوم که در بطن کتاب قابل دستیابی است، گاه غفلت شده است.

سابقه‌ی تاریخ شفاهی در انعکاس ناگفته‌ها

از آنجا که تاریخ شفاهی پایه‌ی اصلی نگارش کتاب‌های مطرح و پرتیراژی که نام برده شد، به حساب می‌آید، برای تخمین و تحلیل کارایی آن در جبران حجم عظیم کارهای انجام‌نشده، مصاحبه با چند زن مطرح در تاریخ انقلاب و دفاع مقدس مطالعه شد تا مزیت‌ها و چالش‌های تاریخ شفاهی برای از دست ندادن انبوه سوژه‌ها تعیین گردد. زنانی که خاطرات‌شان شاخص تحقیق قرار گرفت تا مبنای پژوهش حاضر باشد، عبارت‌اند از:

- زکیه لسانی از مبارزان سیاسی انقلاب اسلامی (آرشیو مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در مرکز اسناد آستان قدس رضوی)

- مرضیه حدیدچی (دباغ) از مبارزان سیاسی انقلاب اسلامی

- فرح‌الملوک جوشقانی، همسر شهید عبدالکریم هاشمی‌نژاد (آرشیو مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در مرکز اسناد آستان

قدس رضوی)

- معصومه سبک‌خیز، همسر شهید عبدالحسین برونسی (آرشیو مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در مرکز اسناد آستان قدس رضوی)

- مرضیه نظرزاد، همسر شهید محمدحسن نظرزاد (بابا نظر) (آرشیو مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در مرکز اسناد آستان قدس رضوی)

- فاطمه ناهیدی، پرستار جبهه و اسیر جنگی

- معصومه آباد، امدادرسان جبهه و اسیر جنگی

- خدیجه میرشکاری، امدادرسان جبهه و اسیر جنگی.

هچنین با دقت به جزئیات و حواشی مصاحبه‌هایی که توسط نگارنده انجام شده باید گفت تاریخ شفاهی، با خصوصیات جنسیتی زنان جهت روایت تاریخ، سازگاری بیشتری دارد، گویی تاریخ شفاهی پاسخی مناسب برای هم‌هی نقایص تاریخ‌نگاری قرمز و جبران محدودیت‌های نگارشی زنان در دوره‌های گذشته است. مؤلفه‌های شخصیتی زنان که بهترین امتیاز در تاریخ شفاهی برای رسیدن به نتایج دلخواه تاریخی است، عبارت است از:

- فرصت‌های اندک زنان در زمینه‌ی علم‌اندوزی و عدم حضور در مجامع علمی گذشته، آنان را در روایت کتبی وقایع کم‌استعداد جلوه داده است. زنان ایرانی همیشه سخن گفتن را بیشتر از نوشتن دوست داشته‌اند. این برتری و توانایی آنها نسبت به مردان، بهترین دلیل برای موفقیت تاریخ شفاهی در ورود به حوزه‌ی تاریخ زنان به زبان خودشان بوده است.

- تاریخ شفاهی زنان فعال در انقلاب و جنگ، ما را در عبور از چهره‌ی رسمی، سیاسی و پایتخت‌زده‌ی تاریخ مردانه، و رسیدن به روایتی لطیف، مردمی و فرهنگی از این تاریخ مدد می‌رساند.

- در گذشته زنان اعتماد به نفس لازم را برای شروع تاریخ‌نویسی نداشتند. پس به‌رغم استعداد نویسندگی مجبور بوده‌اند برای اجتناب از اتهام سرکشی و طغیان‌گری، نوشته‌های خود را با نام مستعار مردانه به چاپ برسانند، چون فضای امن لازم را برای بروز استعدادهای خود نمی‌یافتند و امروزه تاریخ شفاهی این فضای ایمن را در اختیارشان قرار خواهد داد.

- علم و تجربه ثابت کرده زنان بیشتر به گفت‌وگوهای دو نفره علاقه‌مندند، البته در موضوعات مشخص و با دقت و بیان جزئیات. بنابراین، زنان از موضوعی که درگیر آن هستند اطلاعات عمیقی دارند، اما مردان دنبال اقدامات جمعی هستند که متضمن رقابت و تلاش برای شکست رقیب است و به عمق و جزئیات توجهی ندارند. این علایق و رویکرد زنانه بهترین شرایط را برای تاریخ شفاهی مهیا می‌کند.

- پژوهش‌های تاریخ شفاهی در حوزه‌ی زنان، دسترسی به زمینه‌های بکر دست‌نیافته، که از جهات مختلف (اعم از ارزش تاریخی، علمی، ارزش اجتماعی و مخاطب‌پذیری و ...) قابل اعتنا می‌باشد، میسر می‌سازد.

- به وسیله‌ی مصاحبه با زنان، تفکرات تاریخی گسترش می‌یابد و انعطاف بیشتری پیدا می‌کند تا ضمن دربرگرفتن آنچه که هدف ماست از قدرت تشخیص و تفکر زنان نیز استفاده کنیم. بی‌تردید در چنین وضعیتی همیشه به چیزی بیشتر از آن چیزی که دنبالش هستیم، خواهیم رسید.

چالش‌ها و نقاط ضعف تاریخ شفاهی در ثبت خاطرات زنان

با وجود همه‌ی امتیازها و یافته‌های ارزش‌مند تاریخ شفاهی، آفت‌ها و کاستی‌هایی هم وجود دارد که محدودیت‌هایی در ثبت و انتشار خاطرات زنان ایجاد کرده است و ضرورت این شیوه از تاریخ پژوهی را در این راستا کم‌رنگ جلوه می‌دهد. وجود برخی از این محدودیت‌ها، با ویژگی‌های شخصیتی زنان ارتباط مستقیم دارد و برخی دیگر تأثیر گرفته از تحمیل شرایط پیرامون آنهاست.

در بیان ناتوانی تاریخ شفاهی جهت ثبت خاطرات زنان باید گفت ره‌آورد تلاش تاریخ شفاهی در چند سال اخیر، چاپ خاطرات زنانی است که اغلب در هنگام جنگ کم سن و سال بوده، و بعد از گذشت حداقل ده سال ساختار اصلی خاطرات خود را به یاد دارند و از ذهن و جان آنها پاک نمی‌شود، اما یادآوری جزئیات، تاریخ‌ها، سیر منطقی و ترتیب حوادث، اسامی شخصیت‌ها و محل‌ها و نکات بسیار ظریف، اما مؤثر در خاطره را فراموش کرده‌اند. یعنی اگر در همان ایام به نگارش کوتاه و محدود از وقایع اقدام می‌کردند، می‌توانستند در صورت فراموشی به آن مراجعه کنند و مرجعی برای صحت خاطرات خود داشته باشند، در غیر این صورت بدون هیچ پشتوانه‌ی مکتوب، خاطرات به تنهایی دچار خدشه و تناقض می‌شود.

برای مثال خاطرات زندانی سیاسی، زکیه لسانی، پر از ناگفته‌های شنیدنی و تکان‌دهنده است، اما کهولت سن و بیماری‌های ناشی از شکنجه‌های جسمی، تلاش مصاحبه‌کننده را برای ثبت تاریخ و زمان دقیق، نام شخصیت‌ها و جزئیات رخدادها بی‌نتیجه گذاشت و در اصل مجموعه گفت‌وگوهایی که می‌توانست چند جلد کتاب را به علاقه‌مندان ارائه دهد، به دلیل همین نقیصه، به چاپ چند مقاله در جرید و همایش منجر شد. علاوه بر آن، حفظ کرامت و شخصیت اجتماعی و هراس از بازتاب‌ها در جامعه موجب می‌شود که اگر زنانی به مصاحبه راضی شوند، فقط بخش کوچکی از خاطرات خود را با احتیاط و در نهایت محافظه‌کاری بیان کنند و سپس در تماس‌های مکرر خواستار حذف بخش‌های دیگری از گفت‌وگوی‌شان باشند. در حالی که این حساسیت در نگارش خاطرات و حفظ آن در دفاتر شخصی کمتر زنان را دچار احتیاط و دغدغه می‌نماید.

تا به حال درباره‌ی تحمل شکنجه‌ی مردان در زندان، صفحات مبسوطی به نگارش درآمده، اما اطلاعات روشنی از مبارزات و شکنجه‌های زنانی، مثل سوسن حداد عادل (خواهر غلامعلی حداد عادل)، عصمت سادات نصری (همسر مهندس مرتضی نبوی)، انسیه مفیدی (همسر دکتر عباس شیبانی)، زهرا میرخانی (فرزند آیت‌الله حاج سید احمد میرخانی)، بتول غفاری و ده‌ها زن دیگر به دست نیامده است. درحاشیه‌ی یک همایش کشوری، مبارز با سابقه مرضیه دباغ در گفت‌وگوی کوتاهی با نگارنده بیان کرد که علیرغم چاپ چند کتاب از خاطراتش هنوز در هیچ کجا و هیچ زمانی نتوانسته از کیفیت و جزئیات شکنجه‌هایی که به دختر نوجوانش در زندان اعمال شده به وضوح سخن بگوید. با این وصف چگونه انتظار می‌رود که تاریخ، سطح فداکاری‌های زنان و میزان ایثار آنها را تا قبل از اینکه خیلی دیر شود، مشخص و برای آیندگان ثبت و مستند کند؟ (کاظمی، 1381: 8، 265، 266 و 274)

بنابراین از فرصت‌های مناسبی که برای آغاز زندگی جدید همسران جوان شهدا ایجاد شده، اما نام بزرگ شهید و

تربیت فرزندان، موجب شده تا داوطلبانه خود را از این حق طبیعی منع کنند و از زنانی که به دلیل همین تقید و تعهد، امروز در نبود فرزندان، تنها و بی‌یاور مانده‌اند، با چه ابزاری می‌توان سخن گفت؟ هیچ مورخی نمی‌تواند ادعا کند از میزان و جزئیات شکنجه‌های زنان اسیر در جنگ ایران و عراق برای نگارش خاطرات آنان اطلاع کافی در اختیار دارد. خاطرات زایمان زود هنگام زکیه لسانی در زندان به علت ضربه‌های مأموران ساواک به پهلو و شکمش، هر شنونده‌ای را سخت متأثر می‌کند و او را به شناختی عمیق از ایثار زنان در انقلاب می‌رساند؛ اما تا به حال مصاحبه‌کننده نتوانسته موافقتی برای چاپ خلاصه‌ای از این اتفاق به دست بیاورد.

اکنون زمان آن رسیده تاریخ شفاهی به جهت غنا بخشیدن به دانش تاریخ، راهکارهایی برای ارائه‌ی انبوه خاطرات ارزش‌مندی که بعد از خاموشی دوربین و قطع ضبط صوت بازگو می‌شود، به کار بندد و پیشنهادهایی برای ثبت خاطراتی که هرگز بیان نمی‌شود، ارائه دهد. در غیر این صورت، نمی‌تواند برای فوریت‌های فوت‌شدنی در حوزه‌ی تاریخ و جبران حجم عظیم کارهای انجام‌نشده، قدم مؤثری بردارد.

پیشنهادهای

علی‌رغم مطالب ذکرشده هنوز هم نمی‌توان نقش زنان را در انعکاس و انتقال اطلاعات تاریخی، به‌ویژه به شکل شفاهی نادیده گرفت. پس بهتر است برای جبران ناکامی‌های گذشته و تحقق کامل و جامع تلاش‌های انجام‌شده در امر تاریخ شفاهی زنان، پیشنهادهای زیر با جدیت در دستور کار قرار گیرد تا بتوان با تقویت زمینه‌های لازم، تاریخ شفاهی را برای ثبت و انتشار خاطرات زنان تجهیز کرد.

- ایجاد فضای مطمئن و ایمن برای بیان خاطرات زنان بدون نگرانی از بازتاب‌های منفی اجتماعی، و ممانعت از خودسانسوری آنها.

- تمرکز بر جذب و مصاحبه با زنان پرچم‌دار و پیش‌کسوت در مبارزه و دفاع، قبل از اینکه به دلیل فقدان حضورشان، خلأ جبران‌ناپذیری به تاریخ معاصر وارد شود.

- اهتمام جمعی برای شکل‌گیری شخصیت زنان و ایجاد حس اعتماد به نفس در آنها.

- درک و تفهیم ضرورت شناسایی و معرفی بانوان فعال و ثبت آن در تاریخ به سبب الگودهی به زنان نسل آینده.

- رفع محدودیت‌های اجتماعی و توجه به حقوق طبیعی بانوان و رویکرد جدی به بررسی و حل مسائل و مشکلات روحی آنها.

- ضرورت پیش‌بینی و آینده‌نگری در جهت رفع فقدان منابع و مراجع مورد نیاز در آینده.

- ایجاد تغییرات اساسی و انتقادی در دیدگاه روشنفکران دینی جهت ارائه‌ی تعریف قالب‌های جدید و منطقی از شخصیت زنان.

- نفی نگرش «مردسالارانه» به تاریخ و تلاش برای مشخص کردن وضعیت زنان در جریان تاریخ انقلاب و دفاع مقدس.

نتیجه

در تعریف جدید ظرفیت‌های تاریخ‌نویسی، تفاوت روان‌شناختی میان زنان و مردان، هنگامی که بخواهد در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری تجلی یابد، مردان را بیشتر به سمت حوزه‌ی تاریخ سیاسی و زنان را به حوزه‌ی مطالعات تاریخ اجتماعی سوق خواهد داد. این مسئله زنان را در گفت‌وگوهای ارتباطی و مردان را در گفت‌وگوهای گزارشی توان‌مندتر نشان می‌دهد. بنابراین، تا هنگامی که سبک غالب در نگارش‌های تاریخی سبک گزارشی است به نظر می‌رسد رغبت مردان به تاریخ‌نگاری بیش از زنان باشد و چنانچه بتوان نسبتی بین گفت‌وگوهای ارتباطی و نگارش‌های تاریخی یافت، می‌توان به ارتباط مطلوبی میان زن و دانش تاریخ نیز امیدوار بود. به‌زعم نگارندگان، حوزه‌ی تاریخ شفاهی همان حوزه‌ای است که این ارتباط مطلوب را فراهم می‌کند.

از آنجا که زنان در خواندن حالت چهره‌ی مردم و پردازش ریزه‌کاری‌های رفتارهای اجتماعی قوی‌تر هستند، احتمالاً در درک ظرایف مناسبات اجتماعی بهتر عمل می‌کنند. تاریخ شفاهی به سبب ماهیت خود که مبتنی بر ارتباط کلامی مورخ با مصاحبه‌شونده و دستیابی به آن قسم آگاهی‌های تاریخی است که در فرایند ارتباطی مؤثر پدیدار می‌شود، بهترین مجال را برای استفاده از ظرفیت‌های زنانه در توان‌مندسازی دانش تاریخ فراهم می‌آورد، به‌ویژه هنگامی که موضوع مصاحبه از علایق زنانه باشد، موضوعاتی مثل اسرار شخصی فرد مورد مصاحبه، وضعیت تاریخی زنان، تاریخ خانواده، فرهنگ و آداب و رسوم محلی و سنن مذهبی، همان مواردی که تاریخ‌نگاری مردان قادر یا علاقه‌مند به گزارش دقیق آنها نیست. علاوه بر آن، زنان نزدیک به کانون‌های قدرت و در پیوند با مردان سیاست اگر فقط خاطرات شخصی خود را بیان کنند، گنجینه‌ای با ارزش را به دانش تاریخ عرضه خواهند کرد و با چشم‌اندازی وسیع‌تر، امکان درک موقعیت محیطی یک واقعه‌ی تاریخی را بهتر فراهم می‌آورند.

تولید علم از هر نوع آن، پدیده‌ی انسانی است و انسان بودن مفهومی است فراتر از زن بودن یا مرد بودن، اما زن و مرد می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌ها و استعداد‌های متفاوت در شئون جنسیتی خود که دغدغه‌ها، سؤال‌ها و تمرکزهای خاص خود را دنبال می‌کنند، به تکاپوی علمی و فکری اقدام کنند. فقط لازم است برای عملی‌تر شدن آن، برخی تغییرنگرش‌ها در زمینه‌ی روش، موضوع و محتوای علوم صورت پذیرد تا زمینه‌ی مناسب‌تری برای رغبت زنان به آن علوم فراهم آید. برای آنچه به رشته‌ی تاریخ مربوط می‌شود، مهم‌ترین تغییر و اصلی‌ترین اقدام برای ورود به چنین عرصه‌ای، تغییر تلقی از دانش تاریخ برای بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و استعداد‌های زنان است.

تا زمانی که دانش تاریخ را بیشتر موضوعاتی چون سیاست و قدرت و حکومت می‌شناسیم و می‌شناسانیم، نه مجالی برای خوانندگان آثار تاریخی فراهم می‌آورد که انتظار دیگری از این دانش داشته باشند و نه زمینه‌ای برای رغبت زنان و روحیه‌ی زنانه به این دانش مهیا می‌شود که علایق و دغدغه‌های متنوع و عمدتاً غیرسیاسی برای این دانش قائل باشند. مهم آن است که در صورت تحقق چنین تغییرنگرش‌ها، زنان و مردان هر کدام با علایق جنسیتی و شخصیتی خود می‌توانند از این دانش برای ارتقای آگاهی و فرهیختگی خود و دیگران بهره‌مند شوند. حصر تاریخ دافعه‌ای است در مقابل کسانی که به مسائل سیاسی و حتی اجتماعی رغبت ندارند و به جنبه‌های دیگر حیات انسانی تمایل دارند و طبیعی است

که زنان بیش از مردان به این موضوعات بی‌بدیل علاقه‌مند هستند. آنها با توجه به ظرفیت‌های زنانه‌ای که به‌ویژه در تاریخ شفاهی از خود نشان داده‌اند، می‌توانند یاری‌گر، رونق‌بخش و قوام‌دهنده‌ی مطالعات تاریخ انسانی باشند.

منابع

- آرشیو مصاحبه‌های تاریخ شفاهی مدیریت اسناد و مدیریت آستان قدس رضوی.
- اسکندری، مونا و فاطمه احمدوند (1392). زنی از تبار الوند، همدان: چنار.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (1382). گذر زن از گذار تاریخ، تهران: نشر کیانا.
- حسینی، زهرا (1387). دا، تهران: سوره‌ی مهر.
- فیاض انوش، ابوالحسن و مهدی صلاح (1392). «تاریخ صورتی؛ نگاهی به برخی موانع و ظرفیت‌ها در دانش تاریخی زنانه»، در تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره‌ی اول.
- کاظمی، محسن (1381). خاطرات مرضیه حدیدیچی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه‌ی هنری، سوره‌ی مهر.
- ناجی راد، محمدعلی (1382). موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی اقتصادی ایران پس از انقلاب، تهران: کویر.

- <http://zananpress.com/archives/43586>